

اکثریت

نشریه همدان سازمان ملل ایران (تیرماه) د.خارج از کشور

جمعه ۲ شهریور ۱۳۶۳ برابر ۲۴ اوت ۱۹۸۴
بها ۴۰ ریال - سال اول - شماره ۲۱

مروری بر تحولات کابینه موسوی

بالاخره مبارزه ای که از مدتها قبل بر سر باز تقسیم مناصب در هیات دولت آغاز شده بود، علی الظاهر به پایان رسید و در این هفته برای سه وزارتخانه از پنج وزارتخانه ای که وزیرانشان توسط مجلس معزول شدند با شتابزدگی، وزیرای تازه ای گمارده شدند. در تبلیغات رسمی، فعل و انفعالات اخیر را نشانه ای از قدرت دولت و حاکمیت جمهوری اسلامی و انودمی کنند و نتیجه می گیرند که بدنبال تأیید و تثبیت نخست وزیر اسوسی مقام رهبری و اکثریت مجلس یکپارچگی حکومت تأمین شده است. اما آیا برآستی نتیجه رویدادهای اخیر تحکیم و تثبیت دولت بوده و فائده ختم شده است، یا گلی بود که برشکاف دیوار کشیده شد؟

دولت موسوی برای اینکه به عدم تجانس خود واقف شود به زمان بسیاری نیاز نداشت. کشاکشی که حتی پیش از آغاز کار ایسن دولت در همان میانه سال ۶۰ بر سر تعیین سهام شرکا در کابینه، در گرفته بود به اندازه کافی گویا بود. ترکیب کابینه ای که بالاخره آغاز به کار کرد، نه نتیجه حل اختلافات که ناشی از یزید برش آن به منظور حفظ "کیان جمهوری اسلامی" بود. ترکیب کابینه و ناهمخوانی وزیران عملیاتی دولت را به یک مجمع قوای ملی تبدیل کرده بود که هر یک در محصوره خود مطلق العنان بودند. توازن شکننده قدرت، جناحین را وادار ساخت که به این وضعیت تمکین کنند. نخست و زبرهم پذیرفت که اصول قانونی مربوط به مسئولیت مشترک وزرا و نقش و مسئولیت بقیه در صفحه ۲

گرامی باد یاد ارنست قلمان،
سمبل شجاعت و وفاداری
به آرمان طبقه کارگر!

در صفحه ۱۰

به موازات تشدید بحران عمومی حاکمیت، کشمکش هابرسر حزب جمهوری اسلامی و در درون آن اوج میگیرد

سود پرستان قدرت طلب، آخوند های مرتجع ریز و درشت، چماق کش ها و شعبان بی مخ های اسلام پناه است. بسیاری از تصمیم گیریها، در دفترهای این حزب صورت می گیرد که در شهرستانها و مراکز استانها در واقع حکم فرمانداری و استانداری را دارند. انتصابات مقامات در نقاط مختلف کشور با تأیید حزب فراگیر صورت می گیرد و گاه حتی توزیع ارزاق و مایحتاج عمومی نیز از کانال آن، انجام می پذیرد.

حزب جمهوری اسلامی پای ثابت همه چماق کشیها، معرکه گیریها، رقابتها و عواهاست. بقیه در صفحه ۴

حزب جمهوری اسلامی، حزب حاکم است و لاجرم از بحران عمومی حاکمیت در امان نیست. این حزب که بنیانگذاران و سردمدارانش بیشترین مسئولیت را در شکست انقلاب دارند و باندهای سیاهش، بیشترین نقش را در برقرار ساختن جو سرکوب و اختناق در جامعه، ایفا کرده اند، اکنون دچار همان تشنگی است که سر تا پای رژیم را در بر گرفته است.

حزب جمهوری اسلامی، یک حزب آبرو باخته است. دفترهای این حزب در شهرهای مختلف پاتوق بازاریان و زمینداران متشرع، تازه به دوران رسیدها، نان به نرخ روز خورها،

مردم یکبار دیگر در جریان انتخابات بی اعتمادی و انزجار خود را نسبت به رژیم عیان ساختند

در صفحه ۵

زیر هزار تیغه خنجر

در صفحه ۶

"طرح ارزشیابی کارکنان دولت"

سرپوشی بر روی اختناق و اخراج گسترده کارمندان

دبیرکل سازمان امور اداری و استخدامی کشور "انگیزه قوی" برای اجرای این طرح را جدا ساختن صفا فراد "مکتبی" از "غیر مکتبی" می داند و می گوید: "اگر عده ای از کارکنان دولت، مناسب خدمت تشخیص داده نشوند و مناسب با اهداف انقلاب و مردم (۱) خدمت نکنند بدون شک به نحو مقتضی عذرشان از دستگا ههای دولتی خواسته خواهد شد" (کیهان - ۴ مرداد)

آنچه که از اظهارات مسئولین امر در مورد "طرح ارزشیابی کارکنان دولت" برمی آید، پیشتر از همه، پرونده سازی برای کارمندان بر پایه خطوط فکری و اعتقادی آنهاست و این پرونده ها "مبنای ارزش گذاری برای انتصابات، حقوق، مزایا و تشویقات مادی و معنوی و..." بقیه در صفحه ۵

رژیم ب.ا.، بطوریکه وظایف و مسئولیتها را در دست اختناق سازمان یافته و سرکوبگر خود درآه که گویا احساس می کند، تا حال به حد لازم و کافی نبوده است، در تمام سطوح ادارات و موسسات دولتی گسترش دهد. انگار "دو ایر حراست" که با همسان وظایف و عملکرد "دو ایر حفاظت" شاه معدوم از طرف رژیم در نهاد های دولتی بوجود آمده اند، هنوز نتوانسته اند "جو حاکم" را به نفع ارتجاع حاکم کاملاً تغییر دهند.

هسته مرکزی سیاست رژیم در ارتبطات با اصطلاح انقلاب اداری، در این گفته موسوی اردبیلی خطاب به هیاتهای گزینش و وزارتخانهها و سازمانها تبلور می یابد که می گوید: "ما می خواهیم ارزشهای اسلامی را در کشور پیاده کنیم و جو حاکم را به دست خود داشته باشیم."

ابراز همبستگی با زنان ایران، عراق و ترکیه در نشست "مجمع جهانی زنان برای صلح و آزادی"

در صفحه ۳

جنگ را قطع کنید! مردم صلح می خواهند

مروری بر تحولات کابینه موسوی

بقیه از صفحه اول
نخست وزیر زیرپا گذاشته شود. البته این نه اولین و نه آخرین بار بود که اصول قانون اساسی نادیده گرفته می شد.

این وضعیت خیلی زود دولت را به چندانند جداگانه تقسیم کرد که هر یک از این باند ها به یک جناح قدرتمند بیرون کابینه و درون و بیرون حکومت متصل می شدند. عملکرد هر باند و هر وزیر بر نه بر اساس تصمیمات و تصویبات مشترک هیأت وزیران (که ندرتا وجود داشت) بلکه بر اساس مصالح و نظرات جناحهای حکومتی پیش می رفت. تضاد نمی توانست صورت بگیرد. هیچ کس نتوانست آقا زین را جاسدی

نمی گرفت و پایدار تصور نمی کرد. آنرا فقط تاییدی بر توازن قوای موجود می دانستند که می بایست به زیان طرف مقابل درهم شکسته شود. کلنجار میان وزرا در این راستا پیش می رفت. اختلافات جناحین حکومتی با گذر از زمنشور کابینه بار دیگر در حکومت و در جامعه بازتاب می یافت.

تعدد مراکز تصمیم گیری و اجرایی در رژیم جمهوری اسلامی پیش از کابینه موسوی نیز، حوزه عملکرد دولت را بسیار تنگ کرده بود. برخلاف قانون، هیچگاه دولت عملاً بر همه امور کشور و حتی بر اساسی ترین امور آن سلطه نداشت. مهم ترین جنبه های امور نظامی، نظامی، قضایی و ... از حیث کار و دولت منفک شده بود. بی آنکه برای غالب آنها مرز روشنی ترسیم شده باشد. دولت موسوی با پذیرش این وضعیت سرکار آمده بود و به سهم خود بهر آن دامن زد.

با پذیرش عملی و اجباری حقوق کائالهای فشار بیرونی رسماً ارگانهایی ساخته شدند که ایجاد آنها به معنی قیچی شدن هر چه بیشتر پروبال دولت بود. حوزه علمیه قم دیگره ارایه خطوط کلی اکتفا نمی کرد، بلکه مستقیماً در امور اجرایی دخالت می نمود و انتظار داشت که برای این دخالت، مبنای قانونی ساخته شود. سهم شورای نگهبان تنها این نبود که مصوب نهایی قوانین و مفسر آنها باشد. هر گام اجرایی با نحوه معین تفسیر این شورا تضاد می کرد. برنامه ریزی برای اقتصاد کشور از بالای وزارتخانه ها و سازمانهای مربوطه، در اختیار شورای عالی اقتصاد قرار گرفت که نمایندگان حوزه در آن حق و توهم زده بودند. شورای عالی قضایی صاف و پوست کنده اعلام می کرد که نه به مجلس و نه به دولت هیچگونه پاسخی نخواهد داد. سهم دولت در امور نظامی و جنگ ایمن بود که مجری گوش به فرمان شورای عالی دفاع باشد. وضعیت آموزش عالی راستی استناد انقلاب فرهنگی قبضه کرد و ... در چنین جنگلی جای دولت کجا و کار و دولت چه می توانست باشد؟ کلان سرمایه داران و بزرگان مالکان زود ولتی

تابستان ۶۲ (هریک به نیتی) پذیرفتند در سوس داغ نقاط تصادم کابینه را بیرون بکشند. به این ترتیب عذر رسگرا ولادی و توکلی، سلامتی و کتبادی خواسته شد. اما نتیجه خلاف انتظار بود. دزدان چاه نکنند و مار دزدیده بودند. خلاصه معزولین چگونه می بایست پر شود؟ حتی لحظه ای هم میان پایان دعوا و آغاز دوباره آن فاصله نیفتاد. جنگ چنان مغلوبه شد که حتی میانجی ها را هم به کام خود کشیدند. کسب توافق برای پرکردن مناصب خالی کابینه ناممکن شد. از آن پس دیگر هیچگاه خلاصه کابینه پر نشد.

از همان زمان که مدافعین بی قید و شرط طریق سرمایه داری، قدرت حاکمیت را قبضه کردند. دیگر راه حل معضلات جامعه به کلی مسدود گردید. بر همه آن معضلاتی که حل نشده برجای مانده بود، معضلات و مشکلات تازه تری افزود می شد. عجز و ولت در پیشبرد امور، دیگر فقط به اختلافات جناحین درون آن و درون حکومت مربوط نمی شد. بن بست به خاطر راهی بود که در پیش گرفته شده بود. جمهوری اسلامی درست بن بست را نشانه گرفت. نتیجه ناگزیر، انباشت مدام مسایل بر روی یکدیگر بود. دولت در زیر کوهی از مشکلات تاله کمان دست و پسا می زد.

استیصال دولت مخالفین قدرتمند را به تهاجم تشویق می کرد. برای مدافعین سرمایه داری بی قید و شرط، کافی نبود که دولت مدافع بی قید و شرط سرمایه داری باشد. می خواستند ارکان قدرت را زجمله دولت در انحصار بگیرند. معتمدین و تربیت شدگان کلان سرمایه داران و بزرگان مالکان قرار گیرند. "اسلام فقاهتی" "فقیه الوزرا" رامی خواهد بود. از این رو در همان سال ۶۲ بویژه نیمه دوم آن فشار منحصراً حول عزل موسوی و گزینش عسگرا ولادی و یا کس دیگری از طراز او متمرکز شد. جناح مدعی باند از هدانه های تسیب کاندیدای صدارت را اختیار داشت. عسگرا ولادی، ولایتی، کنی، پوروش و ... اما جناح مقابل در صورت سقوط موسوی برای معرفی جانشین دست تنگ بود. به این خاطر با سماجت مقاومت می کرد، بویژه اینکه در شرایطی که تنها چند ماه به عمر مجلس باقی مانده بود، سقوط موسوی اعلام آشکار بن بست و بحران حکومت محسوب می شد. لذا برای دفع فشار، ولی فقیه به میدان آورده شد و به کمک فتوای او مخالفین عقب رانده شدند. ظاهر آرد و لیت موسوی مستحکم شد. اما در حقیقت فقط باقی ماند.

شروع کار مجلس دوم و اینکه قانون اساسی پیش بینی وضعیت دولت پرازیایان کرد و ره مجلس را نکرده بود و سیله ای شد برای جناح حامیان و طرفداران موسوی که با اخذ رای اعتماد از مجلس با تکیه بر فتوای ولی فقیه، موسوی را در مقام خود تثبیت کنند. اصرار بر حمایت از موسوی از آنجاست می شود که می دانند صد ارت عظمایی امثال فقیه الوزرا، که دفاع صاف و پوست کنده از تجار بزرگ و کلان سرمایه داران را در برنامه

با این همه محدودیت و اختلاف انتظار داشتند با قدرت و شتاب به تدفین دستاوردهای انقلاب بپردازند. پایه پای افزایش قدرت آنان در حاکمیت، فشار بر دولت نیز افزایش می یافت تا هر چه بیشتر زود تر تکلیف خود را بپردازند. آن تصمیمات و مصوبه هایی یکسره کننده پیش تر از این بانویرو و به سود مردم در دستور قرار گرفته بود. اما در برخی ازوزرا و بالنتیجه مجموعه کابینه با دور لخواه "حوزه" و بازار "هما هنگ نبود. می بایست با شلاق شرع به پیش، واگر نشد به بیرون رانده می شدند. اما انجام آن بر زمین اختلافات تند جناحهای حکومتی کار آسانی نبود. قبضه انحصاری حاکمیت توسط دشمنان انقلاب، برای حل اختلافات کافی نبود. توافق عمومی و نسبی در روش و مشی حاکمیت، برای ایجاد توافق در عمل، هنوز ناکافی بود. منافس و دلبستگی های متفاوت جناحهای حکومتی به گونه ای بود که اعمال یک نظرمثقف را باغیست دشواری کرد و جدا از هر چیز صدای غرض بهمن انقلاب همچنان پس از سالها تابان حشد توفنده بود که کران و کوران عرصه سیاست راهم به هراس می انداخت. کار با سازی شتابان نظام دلخواه کلان سرمایه داران و بزرگان مالکان کار آسانی نبود که از دولت انتظار می رفت. دولت ناتوان و سرگشته شد و ترمز کرد.

سخنان پرهیاهوی موسوی در پایان سال ۶۱ در حقیقت بیان بن بست بود. موسوی در آن مصاحبه شکایت داشت که نمی داند چه باید بکند. اومی دانست که از آنچه می خواهند و اعتراف داشت آنچه که از او می خواهند لغو و انکار مصوبات و قوانینی است که خوشایند دشمنان مردم نیست. اما می خواست به او ابلاغ شود که این کار چگونه باید پیش برود. موسوی علیرغم بزرگ سخنانش فهمانده که برای این کار و هر خفانتی آماده است. ولی پیشانی به خاک ساییدن موسوی برای جلب رضایت مخالفین کافی نبود. از رزیس دولت تنها انتظار می رفت که بمشایک بوروکرات، بلکه قربان گو و مجری تصمیمات باشد، بلکه باید خود بتواند در ریاست که چگونه باید پیش برود. از این رو فشار بر دولت و همپای آن هر چه و مریج درون کابینه ادامه یافت. مجمع ملوک طوایف درست و حسابی به صحنه زد و خورد آنها بدل شد. حتی گفته می شده که در اجلاسهای کابینه وزرا با یکدیگر دست به یقه می شوند. در شرایطی که مشکلات جامعه دم افزون بود، این وضعیت برای حکومت گران ممکن نبود. در رده های بالایی و میانسی وزرا تخانه ها و ادارات به طنز نخست وزیرانشاه سلطان حسین می نامیدند.

در جستجوی طریقی و مهلتی برای گریز از این قضیحت، ارگانهای قدرت بیرون دولت و درون حکومت پس از هما کلنجار و کنگاش در

ابراز همبستگی با زنان ایران، عراق و ترکیه در نشست "مجمع جهانی زنان برای صلح و آزادی"

خود دنیگرد و دستگیری و شکنجه فعالین ایمن تشکیلات را افشاند و در برضورت حمایت گسترده بین العلی از آنان بویژه از سوری سازمانهای دموکراتیک زنان همه کشورهای جهان، تاکید کرد.

آخرین سخنران جلسه، نماینده کمیته همبستگی برای احقاق حقوق زنان در ترکیه بود که در مورد رژیم فاشیستی ترکیه و دستگیری، شکنجه و اعدام مبارزین از جمله انقلابیون زن از جانب این رژیم توضیحاتی داد. موقعیت کنونی زنان در ترکیه و سازمانهای مترقی مدافع آنها و نیز تحلیل اوضاع منطقه که عرصه ماجراجوییهای آمریکا و ناتو است و در آن خطر جنگ هر آن برجستهتر می شود، بخشهای دیگری از سخنرانی نماینده زنان ترکیه بود.

در پایان جلسه، بعد از یک سری مباحثات و تبادل نظر، قطعنامه ای صادر شد که در آن تظلمات اجتماعی و سیاسی مختلفی که به زنان کشورهای ترکیه، ایران و عراق تحمیل می شود، محکوم شده است. در این قطعنامه بر ضرورت آزادی فعالین سازمانهای دموکراتیک زنان ایمن کشورهای تاکید شده و این درخواست مطرح گردیده که به گروهی از پزشکان و خبرنگاران زن اجازه داده شود که از زندانهای این سه کشور بازدید به عمل آورند.

در خاتمه نشست از (W.I.L.P.F) خواسته شد که یک نامه اعتراضی در رابطه با زندانیان سیاسی و لگدکوب گشتن حقوق دموکراتیک در ایران، عراق و ترکیه تهیه شده و به سفارتخانه های این سه کشور داده شود. این درخواست مورد موافقت واقع گردید.

در تاریخ سوم ماه ژوئیه سال جاری میلادی، "مجمع جهانی زنان برای صلح و آزادی" (W.I.L.P.F) در بریتانیا نشست ویژه ای داشت که دستور کار آن بررسی وضع زنان در کشورهای ایران، ترکیه و عراق بود. در ابتدای جلسه نماینده این مجمع در مورد سفر خود به ترکیه گزارش داد و خاطرنشان ساخت که در خواست تاسیس شعبه (W.I.L.P.F) در ترکیه، با مخالفت رژیم حاکم بر این کشور، مواجه گشته است. بنابراین گفته این سخنران، هیات نمایندگی مجمع در ترکیه، در طول اقامت خود در این کشور، اطلاعاتی در مورد وضع زنان ترکیه و همچنین منطقه به دست آورده اند که بر وجود تظلمات اجتماعی و سیاسی مختلف در رابطه با آنان دلالت می کند و از همین رو گرد همایی سازمانهای زنان سه کشور ایران، عراق و ترکیه را ضروری تشخیص داده اند.

یکی دیگر از سخنرانان این نشست نماینده انجمن زنان عراق در بریتانیا بود که در باره اوضاع عراق و فشار جنگ بر روی مردم این کشور و مشکلات زنان عراقی، صحبت کرد.

سخنرانی بعدی، به وضعیت و خامت بار زنان در جمهوری اسلامی ایران اختصاص داشت. در این سخنرانی که از سوی نماینده تشکیلات دموکراتیک زنان ایران ادا شد، ابتدا شمه ای از تاریخچه این تشکیلات و موقعیت فعلی آن بیان گردید و سپس به تظلمات هو لئانی که جمهوری اسلامی در حق زنان ایرانی رو می دارد پرداخته شد. نماینده تشکیلات دموکراتیک زنان ایران در صحبتهای

دارند، عواقبی جدی در پی خواهد داشت. رفسنجانی نگران است که در چنین صورتی مردم "قلم پای ما را خرد خواهند کرد". برای چیدن نمایندگان سرشناس سرمایه و ستم در کنار یکدیگر در هیات دولت، باید تاوان سنگینی پرداخت. شمارش آرای انتخابات فرمایشی نیز به کسانیکه حتی اندکی از حساب و صبح و تغریق رامی دانستند می آموخت که "باچه مردم ششیاری رو برو هستند". نفرت از سرمایه داری بزرگ و مدافعین آنها در دل مردم جاگیر شده است. اصلاح مصلحت نبود که چنین ریسکی کرده شود. وضع موجود می بایست ادامه می یافت، اما در شرایط متعارف معرفی موسوی به مجلس و سقوط رادری داشت. در نتیجه یکبار دیگر از فتوای مقام رهبری بهره گرفته شد و اعلام داشت که موسوی باید بماند.

فتوای رهبر پیشتر، جهان مطاع بود اما این بار اگرچه بهتر ترتیب کار خود را پیش برد اما نتوانست مخالفین را به کلی خاموش سازد. مدعیان موسوی در یکبارگی حربه شرع از مخالفین خود کارآمد تر و ذیصلاح تر بودند. به این ترتیب در مقابل حربه شرع، مدافعین موسوی به ناچار حربه قانون را برگرفتند، حربه ای که در دستشان بند نمی شد، اصلا تجربه این کار را نداشتند.

بهر جان کنده که بود و دولت موسوی ماند اگرچه این بار هم از همین و بیسار تراشیده شد. از ۲۶ وزیر معرفی شده، پنج تن معزول شدند، وزرای مشا و وضعیت پادروها پیدا کردند و سه وزیر هم ناپلونی رای آوردند. اما بالاخره موسوی ماند.

این دور پایان یافت. اکنون طرفین عرق ریزان و وقت استراحت را طی می کنند تا در ورعده فرارند. آنها امتیازهای مثبت و منفی دوره های گذشته را محاسبه می کنند تا شکل ستیز بعدی روشن شود. مجلس قرار است تعطیل بشود تا وکلایی که مستطیع و واجب الحج شده اند به حج بروند. بی گمان چند ماهه آرامی در پیش است. اما تا ضربه های سمج شمارش معکوس سقوط موسوی هنوز با زنا بیستاده است. هیچ کدام از عوامل دعوا بر طرف نشده و بر همه آنها نتایج پر تنش مباحثات اخیر افزوده شد. هر گام جرایب دولت همچنان با عوامل ستیز تصادم می کند و اختسلاف شدت می گیرد. بویژه اینکه رویدادهای اخیر نشان داد که از برادر فرمان فقیه نیز کاسته شده است. توافق این بار نیز نه ترمیم شکاف بنای رژیم که در حکم گلی بجز که برشکا فکشیده شده است.

حدت بسی حداختلافات حکومت گران با زتاب بین پست رژیم است که راه خیانت به مردم را برگزیده است. تثبیت شکل و عناصر حکومت و دولت بر زمینه بی ثباتی، اوضاع در جامعه ممکن نیست. افزایش بی اعتمادی فرایند خلق به ارتجاع حاکم، گسترش دم افزون مطالبات مردم، تشدید اعتراضات و دل بستگی مردم به آرمانهای انقلاب، تثبیت نظامی را که دشمنان

قطعنامه اجلاس سازمان زنان "هماری آواز" هندوستان در رابطه با وضعیت زنان ایران

محکوم می کنیم.

۲- ما خواستار آزادی فوری همه زنان زندانی ایرانی بویژه خانم مریم فیروز، مسئول تشکیلات دموکراتیک زنان ایران هستیم. اعمال هر نوع شکنجه بر علیه این زنان در زندانهای مرگبار جمهوری اسلامی ایران از نظر ما شدیداً محکوم است.

در پی خواهد داشت و نه از گستره بی اعتمادی خلق خواهد کاست. نه ستیز بعدی و نه بند و بستهایی که به دنبال خواهد آمد هیچ کدام نخواهد توانست راهی برای علاج مشکلات دم افزون رژیم باشد. تشمت، لاینفک از حکومت شده است. درماندگی رژیم از منشی و مانده ای است که خود برگزیده است "خود کرده را ندبیر نیست".

اخیراً در اجلاس سازمان "هماری آواز"

(فریاد ما) که یکی از سازمانهای مترقی زنان هند و عضو کنفدراسیون زنان هند و ستان می باشد قطعنامه زیر در رابطه با وضعیت زنان ایران به تصویب رسیده است:

۱- ما اعضای سازمان زنان "هماری آواز" هیماچال پرادش، قویان تظلمات علیه زنان زحمتکش ایران و اقدامات ضد زنان در ایران را

مردم می خواهند نامکن می کند. آنها قدرت را قبضه کردند اما تثبیت این قدرت کار دشواری است. این وضعیت هم نتیجه مبارزه مردم است و هم زمینه ای برای گسترش آن. با گسترش مبارزه علیه روند خیانت باری که حاکمیت جمهوری اسلامی در پیش گرفته کار ساززی و تحکیم نظام دلخواه کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان دشوارتر می شود. بر چنین زمینهای نتیجه بعدی نبرد جناحین هر چه که باشد نه ثببات

به موازات تشدید بحران عمومی حاکمیت، کشمکش ها بر سر حزب جمهوری اسلامی و در درون آن اوج میگیرد

بقیه از صفحه اول

این جریان نیز خود از ناراضیتهای عمیق مردم در امان نمانده است. حتی برخی از اعضای آن، دیگر مصلحت را در کنار گپسری از آن جستجو میکنند، برخی خود را فربخورده اعلام میکنند و بعد های نیز از عناصر و جویانهای حول و حوش حاکمیت هرگونه رابطه خود را با آن انکار می کنند و برای میرا ساختن خوبیش از آلودگیهای آن، در بعضی موارد به افشای آن می پردازند.

خصایت نا همگون حزب و بی سرانجامی آن، بحران درون حاکمیت را به درون این جریان سرایت می دهد و در داخل آن، بحران و دسته بندی ایجاد می کند.

بخشی از بحران حاکم بر حزب جمهوری اسلامی، به خصیلت شبه فاشیستی آن برمی گردد، این حزب تحمل هیچ گونه تشکل دیگری را در کنار خود ندارد، هر چند هم با آن وجوه مشترکی داشته باشد و به سران این جریان، تمکین کند.

از سوی دیگر حزب، بخشی از روحانیت حاکم را در خود متشکل ساخته است که همگی بنا بر خصیلت عمومی این قشر، خود مدارند. تاریخاً با چند مرکزیتی خو گرفته اند و همانند سلاطین هیچ يك از دواتیشان در يك اقلیت نمی گنجد و لاجرم نمی توانند تابع بیروکراسی حزبی باشند.

حزب جمهوری اسلامی، یکی از طرفهای عهد و ستیزهای داخلی هیات حاکمه و کل روحانیت است. در این ستیزها، قدرت تشکیلاتی و تبلیغاتی این حزب، حکم يك اهرم فشار را دارد و پیش از اینکه به عنوان يك تشکل سیاسی، مطرح باشد، چنین نقشی را ایفا می کند. علت این کارکرد را در آن باید دید که حزب جمهوری اسلامی با زوی تشکیلاتی بخش عمده جناح غالب در حاکمیت است. این جناح از طریق مهره های سرشناس خود و زد و بند های آنها، کار خود را پیش می برد و آن هنگام که ضرورت پیش آید، به این اهرم فشار و بلندگوی تبلیغاتی، روی آورد و در این میان، جناحهای دیگر که خود را فاقد چنین اهرمی می بینند، گاه مشخصاً این تشکل را مورد حمله قرار می دهند. بدینسان حزب جمهوری اسلامی در کانون تنشها واقع شده و لاجرم در آن گرایشهای مختلفی به چشم می خورد.

خامنهای رئیس جمهور و دبیر کل حزب، اخیر در حضور اعضا و هواداران این حزب در زنجان با عبارات ویژه خود بر روی برخی از این گرایشها و تنشها انگشت نهاده است. به نظر خامنهای، حزب جمهوری اسلامی " برای نظام يك ضرورت و پایه مستحکم است، عامل هدایت در جامعه است " و هر کس به فکر تشکل دیگری باشد و یا با این حزب دشمنی کند، به

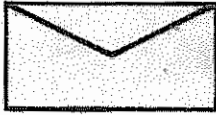
دشمنی با نظام پرداخته است (ر. ک. • جمهوری اسلامی - ۱۲ مرداد) به نظر خامنهای حزب بنیاد حاکمیت است اما در حاکمیت کسانی یافت می شوند که به زعم او " آدمهای بدی نیستند " اما به " حزب بد می گویند " و در واقع " با حزب مخالفت می کنند " و یا این که " اصل حزب را قبول دارند " ولی " يك چهره را ۰۰۰ کناری گذارند و مابقی را می گویند " شورای مرکزی را می گویند، هیات اجرایی و واحد های گوناگون دیگر را می گویند. " برخی نیز هستند که به گفته دبیر کل حزب " گاه رزمه می کنند و کرده اند که بلی، حزب از هدفهای اولیه خود منحرف است و از شعار های اولیه خودش، دست کشیده است " (همانجا)

حزب جمهوری اسلامی عمیقاً انحصار طلب و قدرخواه است. این خصیصه که بر کلیت حزب غالب است، روابط بین اجزا و اعضای آنرا نیز تعیین می کند و بحران و تشتت درونی آنرا تشدید می کند. خامنهای و دارو دسته و شرکای او که می خواهند، افسار حزب را در دست داشته باشند، به دیگر جریانهای رونی آن تاکید می کنند که این تشکل را " به ابزار و وسیله ای برای خواسته های شخصی، صنفی، باندی و گروهی خود " تبدیل نکنید و بر مبنای " پست مقام " حزبی، " امتیاز " نخواهید، (همانجا)

خامنهای، در مورد مخالفان حزب در حاکمیت و در درون خود این جریان، می گوید بعضاً " غرضی ندارند، منتهی بی اطلاعند، نمی فهمند که این کارشان به نفع چه کسی دارد تمام می شود و درک لازم را از موقعیت کنونی کشور ندارند. " مفهوم این سخنان چیست؟ تکیه خامنهای بر روی ضرورت تشکل از کجا آب می خورد؟ واقعیت این است که بسیاری از جریانات و دسته بندیهای نه در حاکمیت به چشم می خوردند، از طریق چشم انداز آینده، جامعه قابل تفسیر و تعبیر می شوند. آن هنگام که جمهوری اسلامی، هنوز وجهه خود را در میان مردم، از دست نداده بود و مردم بدان، به چشم نمره انقلاب و نه محصول میوه چینی قیام می نگریستند، حاکمیت بر نفوذ توده های خود تکیه داشت. به تدریج از دامنه این نفوذ کاسته شد و برای این که حفظ حاکمیت میسر گردد، هژمونی جای خود را به اتوریته ژوچماق سپرد. فقدان کامل عنصر هژمونی در آینده، نقش تشکلها و باند ها را در میان هیات حاکمه افزایش خواهد داد و از همین روست که تکیه مهره های کلیدی حکومت بر روی حزب جمهوری اسلامی، به عنوان مهمترین و پر قدرترین تشکیلات ارتجاع حاکم، دم به دم بیشتر می شود.

سران حزب، در پرتو شناختی که از این روند دارند، به مخالفین خود در حاکمیت فشار

نامه های خوانندگان



★ رفقای " پاکستان " از همکاری شما بسیار خرسندیم. مطالبی که در رابطه با " آر. سی. دی " از جراید پاکستان جدا کرده و برای ما فرستاده بودید، همچنانکه از نظرشان گذشت، دستمایه يك مقاله قرار گرفت. این موضوع و مسائل دیگری را که در رابطه با ایران است و نیز شوطه هایی که بر علیه دولت و ملت انقلابی افغانستان صورت می گیرد، می بایست در نشریات پاکستان از جانب شما باز هم پی گیری شود. همچنان منتظر نامه های شما خواهیم بود.

★ رفیق " کیلراد " (پاکستان) از شعرها و ترجمه های شما بسیار سبازگد ارم. شعرهایتان را برای " دفترهای هنر و ادبیات " ارسال کردیم.

★ رفقای " هندوستان " ! مقالاتتان را به موقع بفرستید. گرمترین درود های ما نثار همگامی شما بساد.

★ رفیق مزدک از بریتانیا - خوشحالیم که هر هفته، نامه های از شما به دستمان می رسد. در ادامه اخباری که در رابطه با اعتصاب معدنچیسان انگلستان در اکثریت به چاپ رسید، سربازگزارش زندهای همراه با عکس تهیه کرده و ارسال کنید. لطفاً مقالاتتان را به صورت فشرده تری بنویسید.

★ رفیق " داراب " (هندوستان) ! مقاله های را که بدان اشاره داشتید، از نظر آمار ارائه شده از جامعیت کافی برخوردار نبود. اگر در این زمینه اطلاعات و آمار بیشتری دارید، با ما همکاری کنید.

★ رفیق " سهند " (اسپانیا) ! منتظر دریافت به موقع مقالاتی که قول داده اید، هستیم. با توجه به ذوق شاعرانه اتان از ترجمه اشعار و ادبیات انقلابی کشورهای اسپانیایی زبان نیز غافل نباشید. به عنوان نمونه مناسب بود اگر بخاطر سا لگورد شهادت گارسیا لورکا مقاله ای برای ما تهیه کرده و می فرستادید.

★ رفیق بابک (هندوستان) ! همکاری شما با ما شریخت است. در مورد جریان " سیکما " بهتر می بود در گرما گرم مساله خود شما مطلبی تهیه می کردید و سریعاً برایمان می فرستادید. در ترجمه از روزنامه ها توجه خود را بیشتر به اوضاع منطقه محطوف کنید.

★ رفقای آمریکا ! گزارش شما در مورد المپیک لوس آنجلس، دیر به دست ما رسید. این قبیل مطالب را باید سریعتر برای ما بفرستید. از همکاری شما تشکر می کنیم.

می آورند که موقعیت را دریابند، وحدت خود را (البته در زیر پرچم سیاه حزب) حفظ کنند و به فکر آینده باشند.

از این نظر و با توجه به نقش فائده حزب جمهوری اسلامی در حاکمیت باید معترف بود که خامنهای بی جا نمی گوید وقتی که تاکید می کند " مساله حزب، یکی از مسایل جدی کشور ماست " (همانجا)

صدمین شماره "راه توده"

صدمین شماره راه توده، نشریه هواداران حزب توده ایران در خارج از کشور، منتشر شد. با این شماره دوره اول انتشار این نشریه انقلابی پایا می‌گیرد.

مُدیر جات دوره اول "راه توده" در تجهیز نیروهای مرقی خارج از کشور علیه اختناق سیاهی که بر میهن ما سایه افکنده است تأثیر مهمی بر جای نهاده است. "راه توده" به مثابه بیانگر صد رخدادهای جامعه، صمیمانه کوشش داشت تا مسائل مردم میهن ما، بویژه زحمتکشان منعکس گردد. "راه توده" در افشای جنایات مرتجعین حاکم، نقش بزرگی ایفا کرد و افشاگریهایی آن سهم بزرگی در رسوایی دشمنان مردم بجا نهاد. در شرایط پرتحول و بغرنجی که در طول دوره اول انتشار راه توده جامعه ما طی می‌کرد خدات پراچ این نشریه، اهمیت بسیار شایسته ای داشت. اینک با انتشار صدمین شماره، دوره اول این نشریه پایان می‌گیرد. دوره دوم به صورت ماهانه، به زودی آغاز به انتشار خواهد کرد. بی‌گمان این نشریه توده‌ای، در دوره دوم نیز خواهد توانست وظایف سنگینی را که بر عهده گرفته، با موفقیت به انجام رساند.

بقیه از صفحه اول "طرح ارزشیابی کارکنان دولت" سرپوشی بر روی اختناق و اخراج گسترده کارمندان

خواهد بود. تجارب نزدیک به ششسال زمامداری گردانندگان رژیم مکرراً ثابت می‌کند که آنچه که در نظر آنها پیشیزی نمی‌آورد، تعهد به انقلاب از یک سو و تجربه و تخصص از سوی دیگر است. در ۱۰ همواره اصل بر همسویی باطنی و ظاهری با سیاست، فرهنگ و اخلاق ارتجاعی و عقب‌مانده حاکمان است. در ایمن عرصه، هر که بیشتر سالیوس و چاپلوس است، "مکتبی" تر است و صاحب پست و مقامی که ذره ای لیاقت و صلاحیت تصدی آنرا ندارد. اکنون کم نیستند، مدبران و صاحب‌منصب‌هاییکه صرفاً نان فرصت‌طلبی، پستی و بی‌صفتی خود را می‌خورند و نیز بی‌شمارند، متخصصین لایق و مجرب که بخاطر عدم تمکین به سیاست حاکم از کار برکنار شده و از تامين ابتدایی ترین مایحتاج زندگی خود و خانواده شان درمانده اند و یسا به جرم دگراندیشی در کشتارگاه‌های رژیم به صلابه کشیده شده اند.

از سوی دیگر، رژیم با اجرای این طرح، در نظر دارد با کنترل فرد کارمندان و با حاکم کردن جو پلیسی و اختناق، سازمان یافته، و قسار

دادن شمشیر داموکلس اخراج بر بالای سر کارمندان، از هرگونه حرکت اعتراضی و اعتصابی آنها در حال و آینده جلوگیری نماید. کارمندان دولت به درستی تشخیص داده اند که "هدف از اجرای طرح ارزشیابی اخراج و یا بازخرید کارمندان است." (کیهان - ۴ مرداد) رژیم می‌داند که گرانی کم‌شکن مایحتاج عمومی و سطح سرسام آور و رکاب‌بخانه، امروز آخرین رفق حقوق‌بگیران را گرفته است و ادامه این وضعیت امکان پذیر نیست. و از آنجا که رژیم بنا به ماهیت اش نمی‌خواهد و نمی‌تواند که چکترین قدم موثری در جهت کاهش گرانی و تورم بردارد، تنها چاره ادامه وضعیت حاکم را تشدید هرچه بیشتر جو پلیسی و اختناق می‌داند.

بی‌تردید، اختناق سازمان یافته پلیسی رژیم در ادارات و موسسات دولتی، هیچیک از مشکلات موجود در داخل نخواهد کرد. همانطور که سلطه ساواک شاه در سازمانهای دولتی مشکلات رامضاعف می‌نمود، سلطه خبرچینان و جاسوسان رژیم ج ۱۰ نیز تحت هر عنوانی که باشند، تضادهای رژیم حاکم را با قشر میلیونی حقوق‌بگیران تشدید خواهد نمود.

مردم یکبار دیگر در جریان انتخابات میان دوره‌ای، بی‌اعتمادی و انزجار خود را نسبت به رژیم عیان ساختند

شهر ۵۱/۷۸ درصد، در شیراز ۶۸/۵۱ درصد، و در اصفهان ۵۷/۵۸ درصد، تقلیل یافته‌اند. این میزان کاهش، به مراتب بیش ازانی است که بتوان آن را از طریق تقلیل معمولی تعداد رای دهندگان در انتخابات میاندوره‌ای، توضیح کرد. بررسی مقایسه ای کل شرکت‌کنندگان در انتخابات در وراول و در اخیر و آرای هر یک از کاندیدها در شهرهایی همچون اصفهان که درگیری جناحی رقیب نمود آشکاری داشته و به افشاکری و برخورد علنی کشیده شده، نشان می‌دهد که افشای یک جناح به توسط جناح دیگر، آرای مردم را به سوی جناح افشا کننده، سوق نمی‌دهد. باین افشاگریهما، بیزاری مردم از هر دو طرف افزایش می‌یابد و آگاهی و سطح حرکت توده‌ها باعث می‌شود که آنان در مجموع به یکسان بی‌اعتمادی خود را نسبت به جناحهای رقیب عیان سازند. مردم بی‌برند که مضمون این درگیریها، دعسوا برسر سرعت و نحوه پیشبرد سیاستهای ضد مردمی است نه تامين منافعی آنها. مردم روزبه‌روز پیش از کلیت رژیم، بزاز انزجار می‌کنند و به هیچ یک از جناحها، دل نبسته و نمی‌بندند.

در حالی که مجلس در جریان اعلامی رای اعتماد به دولت بود، در شهرهایی که انتخابات میان دوره‌ای برگزار شد، مردم دیگر، بی‌اعتمادی خود را نسبت به مجلس و دولت و کلیت رژیم، اعلام داشتند. در انتخابات مجلس دوم، در برخی از شهرها، افشاکری کاندیداهای دینفوذ نسبت به تقلبات یک دیگر، درگیری بین جناحهای حاکمیت، بالانیا آمدن کاندیدای مورد پسند، حزب جمهوری اسلامی و شورای نگهبان و ناتوانی رژیم در کتمان تقلب و تزویر ستاندر کاران انتخابات، باعث شد که انتخابات در این نقاط، باطل اعلام شده و تجدید گردد. به دنبال برگزاری انتخابات میاندوره‌ای، حتی نتایجی که رسماً از جانب وزارت کشور اعلام شد، نشان می‌دهد که درصد شرکت‌کنندگان نسبت به د وراول انتخابات مجلس دوم، در مجموع قریب به ۵۰ درصد، کاهش داشته است. در شهرها بزرگ و نقاطی که درگیری بین جناحها و رسوایی طرفین، جلوه بیشتری دارد، این کاهش بسیار چشمگیر است. به عنوان نمونه در شهریار تعداد رای دهندگان ۵۹/۵۴ درصد، در قائم

۵۲ ضد انقلابی در بقیه از صفحه ۱۱

نیکاراکوته به هلاکت رسیدند
ضد انقلابیون مهاجم به خاک نیکاراکوته در چنگ باسریازان ارتش خلقی این کشور تلفات سنگینی متحمل شدند. روز دوشنبه ۱۲۰ اوت در ماتاگوا، وزارت دفاع نیکاراکوته اعلام کرد در روزهای ۱۶ و ۱۸ اوت در استان ماتاگالپا ۵۲ ضد انقلابی طی نبرد بانبروهای دولتی به هلاکت رسیده‌اند.

دانیل اورنگا، هماهنگ کننده شورای دولتی نیکاراکوته، در یک میتینگ در شهر "سانتو توماس" بار دیگر تأکید کرد خلق نیکاراکوته و سایر ملل آمریکای لاتین از استقلال خود دفاع خواهند کرد. وی نسبت به مداخله مستقیم نظامی و اشنگتن در نیکاراکوته هشدار داد و اظهار داشت انقلاب سازد بینستی رانی توان به زور اسلحه به زانو در آورد.

با جمع آوری کمک مالی فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی خود یاری دهید!

زیر هزار تیغه خنجر ①

سقف آویزان می کنند ، بطوریکه فقط شوک انگشتان پایش ، با زمین مماس باشد . این شکنجه که برای کسب اطلاعات صورت میگیرد ، معمولاً به مدت یک هفته ، مرتباً تکرار می شود و تنها بیهوش شدن زندانی است که وقفه ای در آن ، به وجود می آورد . در مواردی که پای مسئولین سازمانها در میان است ، خود لاجوردی و بعضاً برخی از دیگر عناصر حاکمیت ، همچون هادی غفاری ، برامشکنجه نظارت کرده و یا اینکه خود شلاق بدست می گیرند . قریب به یک سال پیش رفقا گزارش کردند که هادی غفاری را دیده اند که یکی از مسئولین سازمان را در اوین به وحشیانه ترین شکل ممکن ، به تازیانه بسته است .

برای شکنجه گران مهمترین هدف آن است که در همان جلسه اول ، زندانی را شکنند

★ زندانیان مبارز می دانند مهمترین از همه چیز ، امتحانی است که خودشان پس می دهند . هیچ کس به نمایندگی از طرف کسان دیگر با بازجو شکنجه گران مواجه نمی شود . تو خود باید سرنوشت نبرد را که بر شرافت ، سر بلندی و استقامت تو جاری است ، تعیین کنی !

و اداریه اعتراف سازند . آنهاد ر عمل پیسی برد ه اند که وقتی زندانی ، در اول شکنجه را از سر بگذرانند ، در جلسه تبعیدی مجرب شده و روحیه استوارتری خواهد داشت . از همین رو است که گاه در اول شکنجه ، روزها بیدار و وقفه ادامه پیدا می کند و حماسه هایی آفریننده می شود که کلام ارتزویف آن عاجز است . برای یک انقلابی هیچ صحنه ای از آن دلپذیر تر و افتخار آفرین تر نیست که ببیند شکنجه گرش کلافه شده و نا امیدانه شلاق را به یک سوسو می افکند ، در حالی که شهادت آنرا ندارد ، نگاه خود را در راستای نگاه رزمجویانه زندانی بگذارد . اکنون خود شکنجه گران نیز معتترف گشته اند که هرچه که می گذرد ، روحیه اکثر زندانیان استحکام بیشتری یافته و آنان دلاور تر و مجرب تر با دمنشی های جلادان ، مواجهه می شوند .

مقاومت در جریان بازجویی

بازجویی از اعضای گروه های چپ در شعبه های ۵ و ۶ دادستانی اوین صورت می گیرد . شعبه ۵ معمولاً کارش بازجویی از اعضای سازمان و مارتقایی حزب توده ایران است . همچنان که در گزارشهای قبلی متذکر شده ایم ، بازجویی و شکنجه در جریان جدا از یکدیگر نیستند . در بسیاری موارد بازجو خود یک شکنجه گراست . آنان دارای عناوینی هستند که بعضاً بسیار زیبنده آنهاست . همچون ششلول بند ، تیغ کش و ... آنها لاف و گزاف زیادی می زنند . ابتدا برای تضعیف روحیه زندانی با افتخار تمام می گویند : " هر کس را که به زیر زمین ببریم ، مثل بلبل و اداریه حرف زدن خواهد شد " و در مورد خودشان چنین مدیحه سرایی

مجروح و دست و پا های سوخته و شکسته ایست که نگرستن به آنها حتی جلادان نامدار تاریخی را از فرط شرم ، سرفاکنده می سازد .

مقاومت مبارزین در بند ، تنها در ریزش شکنجه تجلی نمی یابد . هردقیقه به سرسردن زندانیان جمهوری اسلامی ، محک پایمردی آنان است . آیین مقاومت گاه به عرصه مجمع می کشد ، شکل تشکلی رامی یابد و به حرکت تبدیل می شود . مبارزین در بدترین وضعیت و به یک تعبیر گوید ، زیر هزار تیغه خنجر نیز رزم خود را پیش می برند .

ماد رزیر برای اینکه آخرین وضعیت اوین را نیز تصویر کرده باشیم ، از میان گزارشهای متعدد می گویم که در یاد آورده ایم گو شه هایی از جلوه چند ماهه اخیر این پایمرد بیهار منکس می سازیم و خود از پیش از آن داریم که گزارشها تنها جلوه های محدودی از مقاومت زندانیان را در برمی گیرد که بی گمان در برابر کلیت آن بسی خرد و اندک می نماید .

هدف در خیمان ، شکنج روحیه

همه ایادی رژیم که یک زندانی آزادی و لیل لحظه بازداشت و در تمام مدت اسارتش با آنها مواجه می شود ، از پاسدا رانی که به خانه او می ریزند تا جلادانی که از او بازجویی می کنند و نگهبانانی که مراقب رفتار او در زندان هستند ، یک هدف را دنبال می کنند : شکستن روحیه زندانی .

★ یک مبارز می داند که برخورد با بازجو و شکنجه گر ، یکی از مهمترین فرازهای زندگی مبارزات است و لذا با تو سل به این نظر ، که اصل مبارزه در جای دیگری جریان دارد ، برخورد رزمجویانه با بازجو را دست کم نمی گیرد .

مقاومت در این مرحله از مبارزه اش از همان لحظه اول اسارت آغاز می شود و یکی از مهمترین فرازهای آن مقاومت در جریان بازجویی و شکنجه است .

مقاومت در زیر شکنجه

هرچه که می گذرد شکنجه در زندانیان جمهوری اسلامی و به ویژه اوین شدت بیشتری یافته و در عین حال سیستماتیک تر می شود . معمولترین نوع شکنجه جسمی ، استفاده از شلاق است . شلاق زدن به صورت وحشیانه ای صورت می گیرد . کمتر کسی در اوین پییدا می شود که پایش بر اثر تحمل ضربات تازیانه آتش و لاش نشده و پس از بهبود جراحات وارده ، گوشت زیادی نیا ورده باشد . در اینها و آخر پای یکی از رفقا را که بعد از شکنجه با شلاق ، بسو شدت عقوبت کرده بود ، ناچار شده اند در بهادر اوین ، از زیر زانو ، قطع کنند .

در نوع دیگری از شکنجه که اخیراً بسیار معمول شده است ، به وسیله طنابی که به دستهای زندانی گره خورده است ، او را از

فجایعی که در زندانیان رژیم جمهوری اسلامی رخ می دهد ، از یک سو نشانگر مضمحل دمنشی های این حکومت و کینه حیوانی آن نسبت به مبارزین پایبند به آرمانهای مردمی است و از سوی دیگر حد بسالای مقاومت انقلابیون اسپر را می رساند . ضرورت افضای چهره گریه رژیم و جلادان آن ، نگاه این وجه اخیر راتحت الشعاع قرار می دهد و باعث می شود در گزارشهایی که در رابطه با زندانیان سیاسی ایران انتشار می یابد ، بیشتر بروجه سببیت و درنده خویی در خیمان تکیه گردد . انعکاس مقاومت مبارزین در بند می بایست در جای خود برجستگی ویژه ای یابد . این مقاومت در کانون پایداری خلق برای حفظ انقلاب و تداوم آن قرار دارد و تنها از این زاویه است که جلادیهای رژیم نیز جایگاه و مفهوم واقعی تاریخی خویش که همانا تلاش در جهت نابود ساختن انقلاب است ، انکار برینشی متحجرو فسیل شده است ، را بیاملا می سازد .

★ اکنون خود شکنجه گران نیز معترف گشته اند که هرچه که می گذرد ، روحیه اکثر زندانیان استحکام بیشتری یافته و آنان ، دلاور تر و مجرب تر با دمنشی های جلادان ، مواجهه می شوند .

جمهوری اسلامی مدعی است که زندانیان سیاسی ایران ، تنها جایگاه توابع است آنها و قیحه ادعای می کنند که هر کس پیاد کشتارگاه و به زعم سران خونخوار بی شرم حکومت " دانشگاه " اوین بگذرانند ، در همان ساعات اولیه اسارت ، مجاب شده و در سلک توابعین درمی آید . آنها بی شرمانه می گویند در زندانیان حکومت کسی دم بر نمی آورد ، آنجا از مقاومت خبری نیست ، وردی که در گوش اسپر خوانده می شود ، همه را می شکنند و سرسراه و توبه کاری سازد !

این دروغهای گو بلزمآب ، در حالی که دم به ساعت از بلندگو های تبلیغی رژیم و از زبان بزرگ جلادان آن تکرار می شود که مبارزان در بند ایران ، فصل درخشانی بر کتاب سیرخ مقاومت در زندانیان سیاسی جهان افزوده و جلوه تابناکی از استقامت انقلاب در برابر ضد انقلاب را به نمایش نهاد ه اند . شاهد آنان دهها هزار اعدای است ؛ شاهد آنان اتاقهای تعزیر و تشییعی است که یک آن نیست که از فریاد رزمجویانه آن دلاوران ، در زیر شکنجه مرتجعین حاکم ، به لرزه در نیاید ؛ شاهد آنان سلولهای مخوفی است که بیش از ده برابر میزان عادی در خود ، زندانی جای داده اند ؛ شاهد انسان دهنها زندان جدیدی است که با عجله در گوشه و کنار خاک گلگون گشته میهنمان ، ساخته می شود ؛ سند مقاومت آنان پیکره های



در حاشیه

کمک تسلیحاتی برای دادن قوت قلب

جلوه‌هایی از خیا نتهای رژیم و اقبال اصرار بر تدابیر جنگ :
 ● روزنامه ابزور ۲۲ ژوئیه خبر می دهد که " از بیمه لوپید ز خواسته شده و محموله عجیبی را که شامل ۲۵ جنگنده مافوق صوت اف-۵ می باشد ، بیمه کند ۱۰ این محموله از آمریکا راهی ترکیه است و خبرهای رسیده از منابع مختلف ، حاکی از آن است که مقصد نهایی آن ایران می باشد . به عقیده این روزنامه " آمریکا ، نگران است که مبادا ایران پس از نا کامیهایش در یک جنگ طولانی با عراق احساس حقارت کند . و از همین رو می توان به این جنگنده ها در حالی که تلاشهایی برای برقراری صلح جریان دارد ، به مثابه یک قوت قلب و امداد روحی نگریست ."

● شماره ۱۲۰ و ۱۲۱ هفته نامه نیوزویک نیز خبر از نشانه هایی می دهد که دال بر گرایش تهران به بهبود روابط خود با واشنگتن است . به گفته این نشریه جمهوری اسلامی " سعی دارد به آمریکا بفهماند که حرکت در جهت فروش قطعات پد کسبی اف-۱۴ می تواند به بهبود مناسبات طرفین بینجامد ."

● در همین حول و حوش ، خبر گزاریه ها و مطبوعات مختلف اطلاع می دهند که دولت بریتانیا قصد دارد تا پایان تابستان امسال دو کشتی تدارکاتی جنگی به ایران تحویل دهد و سوئیس نیز تعدادی هواپیما های سبک به ایران فروخته است که می توان با نصب موتور و توپ ، آنها را به صورت جنگنده در آورد .

ما بودیم که مسافرت گنسر را به اسرائیل محکوم کردیم

مرتضی رضوی نماینده مجلس :
 " این منطق وسیع و گشاد و پذیرای وزارت امور خارجه در مسایل خارجی اگر به خاطر صدور انقلاب است ، با قلمداد ژنرال ارشاد به عنوان نماینده ایران در قلمرو کنفرانس نمی شود ، ژنرال ارشادی که خود را به زور سلطه بر مردم مسلمان بتگلادش مسلط کرده است . و یا ما بودیم که مدتی پیش مسافرت " گنسر " را با سراسریل محکوم کردیم ، حال دیگر نمی توانیم محکومش کنیم . . . من نمی گویم کلا منزوی شویم ، اما حقیقت این است که با این گستردگی نمی توانیم ، اصل انقلاب را به باد می دهید ."

(اطلاعات - ۲۳ مرداد)

پاره ای از اقدامات وزارت نفت

رشیدیان نماینده مجلس :
 " ۹۰۰ میلیون دلار در رابطه با قرارداد های تصفیه نفت خام در طی یک سال و

نیم زیان بکشو ر وارد شد و نیز زیانی به میزان پنجاه میلیون دلار در رابطه با فروش چهار میلیون بشکه نفت خام به شرکت کاغذی و دلال نفت که این شرکت های دلال ، فقط روی کاغذ وجود دارند ۶۰۰ و وزارت نفت بیش از ۶ میلیون متر لوله غیر استاندارد از ترکیه خریداری نموده است و از نظر فنی و ایمنی و جهت گازرسانی مناسب نمی باشد . ۶۰۰ زیانی به مبلغ یازده میلیون تومان به بیت المال که در رابطه با فروش بشکه ها خالی نفت توسط یکی از طرفیان وزارت نفت صورت گرفته ۶۰۰ در خرید ۵ میلیون متر چلو روکریاس سواستفاده صورت گرفته و آن را با زارهای سیاه خوزستان و فارس به فروش رسانده اند و دیگر اینکه روابط سومالی در خرید هایی که توسط شرکت کالای لندن انجام شده است . همچنین خرید های عجولانه بدون برنامه ریزی از اروپا و ژاپن و ۶۰۰ استفاده مهندسی خارجي با حقوقهای کلان از ژرمنی ، استرالیا ، آلمان ، ایتالیا و انگلیس ۶۰۰ انجام مذاکرات با اعضای کنسرسیوم سابق ۶۰۰"

(کیهان - ۲۱ مرداد)

یک گوشه از وضع درمانی کشور

عاسی فرد نماینده مجلس :
 وضع درمانی کشور رچیزی نیست که سه در مورد آن سنداریه کرد و راجع به آن بحث و استدلال کرد . طبق آماري که افراد صاحب نظر صحه می گذارند میزان مرگ و میر کو دکان زیر یک سال ۱۲ درصد است و این آمار برای کشورهای است که خیلی عقب مانده هستند ."

(اطلاعات - ۲۳ مرداد)

روضه کوتاه آذری قمی

آذری قمی نماینده مجلس :
 " البته روضه هایی که خواندیم از بسک ساعت کمتر نبوده بنا بر این نمی دانیم در عرض ده دقیقه چه بگوئیم . خداد فاع می کند از مؤمنین خدا خود ش مستقیما به جنگ دشمن اسلام می آید و رزمنده مسلمان ا بزاور و سیله اند . ۶۰۰ خداوند به دولت ما اجازه داده است که صلح نکنیم و به جنگ ادامه دهیم . ۶۰۰ بنا بر این آنهايي که سه دم از اسلام می زنند خود را مدافع قران اسلام ، خانه خدای دانند و اصرار می کنند که صلح کنند در مقابل کلام خدا چه می گویند ."

(کیهان - ۱۵ مرداد)

درصد بسیجیهای دانش آموز

پروش وزیر سابق آموزش و پرورش :
 " ۵۰ تا ۵۳ درصد رزمندگان بسیجی جبهه هادانش آموزان بالاتر از ۱۶ سال هستند ."

(اطلاعات - ۲۴ مرداد)

۵۰ تا ۵۳ درصد بسیجی دانش آموز بالای ۱۶ ساله ، درصد نامعینی بسیجی دانش آموز زیر ۱۶ سال ، درصد نامعینی بسیجی غیر دانش آموز کم سن و سال و همه به برکت جشنون جنگ غلبی و خوی خود نیز رهبران جمهوری اسلامی مین یاب و گوشت دم توپ شده اند .

سوابق رهبر گشت "سیندرلا"

نماینده دادستانی :
 - علیرضا زهروری رهبر یاند ، شغل سپاهی و ملیس به لباس مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که امام امت روحی له الفداء در ساره این بان بر کفان سپاه فرمودند : " سپاه نور چشم من است و چشم من نباید خنای کند . . ."

وی پس از پیروزی انقلاب و تشکیل داد سترای انقلاب اسلامی مد نهاد در دادستانی انقلاب رفت و آمد داشته و مدتی نیز در کردستان بوده است . بنا به قول متهم و گواهی دفتر ویژه امور کردستان متهم در جریان درگیریهای سال ۵۸ کردستان در تاریخ ۵۸/۵/۲۰ توسط گروه همدانی کردستان اسیر و سپس در تاریخ ۹/۷/۱۷ آزاد شد . وی پس از آزادی به سپاه راه یافته . . ."

(کیهان - ۲۳ مرداد)

همانطور که در هنگام دستگیری این گشت ، نوشتیم ، شیوه اقدامات جنایتکارانه این گشت ، نمی توانست ، بدون بهره گیری از تجارب طولانی در نهاد های سرکودگر باشد .

کنفرانس بین المللی برای "صدور انقلاب اسلامی"

اخیرا ، با زنده ای از تلاشان بین المللی بنظور " صدور انقلاب اسلامی " کنفرانس باصطلاح جهانی در لندن برگزار کردند . نریک بنده از قطعنامه کنفرانس کذایی گفته می شود : " انقلاب اسلامی ایران نشان داد که اسلام را می توان بطور کلی برای بازسازی اجتماعی در تمامی ابعاد سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی ، فرهنگی و همچنین زندگی خصوصی و عمومی مردم بکار گرفت ."

(جمهوری اسلامی - ۵ مرداد)

- به هر اندازه که کیسه حاتم بخشی چ ۱۰ برای کلاشان متعلق بیشتر گشاد می شود - البته به حساب " بیت المال " - ، به همان اندازه نیز تملق آنها رزمز " گشاده گوی " فراتر می رود

استنادی نظیر!

ناطق شوری وزیر کشور در اظهارات مخالفین خود در مجلس برای اعتماد " به نامه تشکر آمیز برخی از سنارتخانه های خارجی مقیم تهران در تایید نظافت شهر طی دو سال اخیر استناد کرد ."

(اطلاعات - ۲۴ مرداد)

صافی " احکام خمس"

مرتضی رضوی نماینده مجلس :
 " مجلس اسلامی نمیتواند آزادی بیان بمعنای امانیسم برخوردار باشد و هر چه بر زانوش آمد بگوید . یک نماینده (و یا هر مسلمان دیگر) باید يك يك الفاظش را از صافی احکام خمس - (حرام ، مکروه ، مباح ، حلال ، مستحب) عبور دهد ."

(اطلاعات - ۱۵ مرداد)

کردستان ، نعمت الهی

" کردستان یکی از نعمتهای الهی می باشد و شکر این نعمت ایجاد وحدت بین نیروهای رزمنده سپاه ، ارتش ، ژاندارمری و کمیته است ."

(کیهان - ۱۵ مرداد)

صمد جاودانه است

" مرگ خیلی آسان می تواند الان به سراغ من بیاید ، اما من تا می توانم زندگی کنم ، نباید به پیشواز مرگ بروم . البته اگر یک وقتی ناچار با مرگ روبرو شدم - که می شوم - مهم نیست . مهم این است که زندگی یا مرگ من چه اثری در زندگی دیگران داشته باشد . . . "

" ما هی سپاه کوچولو - بهرنگ "



راههایی به دوام این روز تارک و این روستا ساختن دست آدمها که می کند . بچه ها را باید از " عوامل امید و آرکننده " دست بیناد نامید کرد . " بهرنگ " خوب و دوست داشتنی

نهم شهریور ماه ، یادآور شهادت هنرمند بزرگ خلقی صمد بهرنگی است . بایداد تا بناک " صمد " ، نوشتنهای از رفیق شریف سرد و گلسرخ را ، به همین مناسبت درج می کنیم .



" سالی دیگر از مرگ مردمی ترین چهره ادبیات معاصر ، " صمد بهرنگی " برگزشت ، اما این مرگ ، مرگ نیست . زیرا که " مرده اش " نیز از " مردمش " جدا نیست .

" صمد بهرنگی " با عشق به مردم و آتشی که از این عشق در سینه اش گرمی گرفت ، چشم انداز محرومیت های جامعه را با درنگ بر تضاد هایی که خاستگاه این حرمان هاست ، در آتشش تصویر کرد . " بهرنگ " این معلم محرومان از بچه ها آغاز کرد بجا نمایاش را از بچه ها ، محروم باز گرفت و بد آنها بخشید ! این بخشش را بچه ها آموخت که باید راهی جست تا ایستاد بگریزند . نمی توان مسیب و آران سوی صورت رانیز آماده خوردن سیلی کرد . او به بچه ها فهماند که هیچ بچه ای پو دلاریه دنیا نمی آید . پدر اگر بی نان به خانه باز می گردد ، گناهی ندارد ، این علتی دارد و اگر تن پوش شوند او در مدرسه تحقیر برایش می خورد ، علتی دیگر . " بهرنگ " می خواست بچه ها را بر داریستی که در خود بچه ها نهفته است آگاه گرداند ، تا بچه ها با وقوف بر این داریست ، سرپا ایستند ، از تحقیر نهراسند زیرا که تا ادامه چنین باشد ، تحقیر نیز هست ، حالا چگونه باید ایستاد و بچه ، چگونه واقعیت را می تواند درک و لمس کند ، هدف " بهرنگ " بود . او می گوید :

" بچه باید بداند که پدرش با بچه مکافاتنی لقمه نانی به دست می آورد و برادر بزرگش چه مظلوم وارد دست و پامی زند و خفه می شود . آن یکی بچه هم باید بداند که پدرش از چسه

به طرف شیشه بزرگ مغازه . شیشه صدایی کرد و خرد شد . صدای شیشه انگار با سنگینی را از روی دلم برداشت و آن وقت د و پاداشتم د و پای دیگر قرض کردم و حالا در تنوکی در برو ! " بهرنگ " در قهقهه هایش د و رویه زندگی را می نمایاند ، همچنانکه د وستی در برابر رفیق و همراه رواست ، دشمنی و کینه در برابر دشمن و نا همراه ضرورت دارد و " بهرنگ " تنها کسی است که در دستور اخلاق برای کودکان امروز بر آن انگشت می گذارد ، سیلی را با سیلی پاس نمی گوید . چنین است که بچه ها از اعمالی حرمان و رنج آموختن پس از خواندن قصه های او احساس می کنند که وجود دارند ، حرف می زنند ، کسی هست که بر هستی شان درنگ نکرده باشد . می توانند حق خویش را بستانند . چنین است که از زبان " الدوز " می شنویم :

" د و مش اینک قصه مرا برای بچه هایی بنویسد که یا فقیر باشند یا خیلی ناز برورد ه نباشند . پس ، این بچه ها حق ندارند که قصه های مرا بخوانند :

۱ - بچه هایی که همراه نوکره مدرسه می آیند .

۲ - بچه هایی که با ماشین سواری گران قیمت به مدرسه می آیند .

" بهرنگ " ، نویسنده معروفان جا معه ، وزنده ترین چهره ادبیات مردمی ایران ، با برگزشت هر سال ارجش شاکار تر است و در سخن که " بهرنگ " راسخن بسیار است و قلم در اینجا نتواند گفت . "

۴۰ سال پس از شهادت رهبر مجازب کمونیست آلمان ، یکی از قاتلین وی بنام " ولفگانگ اتو " افسر سابق اس اس در آزادی کامل در آلمان ف رال زندگی می کند . شکایات متعدد بازماندگان ار نست تلما ن از سوی دادگاههای آلمان فدرال رد شده است . بدین ترتیب " اتو " که بنابه گفته شهود عینی جزگروه مامور اعدا م تلما ن بوده است ، بعنوان معام بازنشسته در شهر " گلد رن " آلمان فدرال به زندگی آرام خود ادامه می دهد . نظام حکم بر آلمان فدرال با پناه دادن به جنایتکاران نازی نشان داده است که بیشتر خود را وارث هیتر می دانند تا وارث قربانیان فاشیسم .

پربارترین لحظات جوانی اش را برپای روستا زادگان آذریا بجانی ریخت ، با شادیشان لبخند زد و با اند و هشان گریب و در این میان واقعیت های گزنده و تلخ را برای بچه ها کشف کرد و به تصویر کشید تا بچه ها راه شکست و واقعیت موب و دراکه ساخته و پرداخته دستهایی آشناست برای راه برد به حقیقت بگویند . او مبلغ صلح و صفا به شیوه " دیل کارنگی " نبود ، به بچه ها آیین " د و ست یایی " نداد ، به بچه ها نیروی " حقیقت جویی " بخشید تا بچه ها با مد د گرفتن از کین و نفرت خود د قلب " دیل کارنگی " ها را با دشنه د و لب خود بدرند . " بهرنگی " در برابر اخلاق منحطسی ایستاد که در بند است تا بچه های با آرد ترسو ، حرف شنو ، تحقیر شده و دل رضایه " داده ها " اد بیات کودکانه نیاید فقط مبلغ محبت و نعد وستی و قناعت و تواضع از نوع اخلاق مسیحت باشد باید به بچه ها گفت که به هر آنچه و سرکه ضد بشری و غیر انسانی و سد راه تکامل تاریخی است ، کینه ورز و کینه باید در اد بیات کو دکان راه باز کند . " در قهقهه " ۲۴ ساعت در خواب و بیداری " ، " لطیف " اینگونه در برابر تحقیر قد برمی افرازد " مرد با زمین را با اشاره دست راند و گفت : " گسم شو برو " عجب رویی دارد ! من جنب نخوردم و گفتم : من گدا نیستم .

مرد گفت : ببخشید آقای سر ، پس چکار باید ؟ من گفتم : کاره بی نیستم . دارم تماشا می کنم .

راه افتادم . مرد داخل مغازه شد . تکه کاشی سفیدی ته آب جو بوق می زد . دیگر معطل نکردم تکمکاشی را برداشتم و با تمام قوت بازویم پراندم

مسخرمی گرفتند و پیروزی اش را غیرمک می شمردند ، برای نخستین بار به حکومت رسید

پیوند تنگاتنگ انترناسیونالیسم با مبارزه در راه حقوق حقه ملی و احترام به سنن دمکراتیک در تاریخ آلمان ، در برنامه حزب کمونیست آلمان تیلور خویش را یافتند . بسیاری از آنچه ار نست تلما ن در رساره مناقشات طبقاتی ، خطر فاشیسم و تهدید کلسی بشریت به وسیله جنگ گفته و نوشته است ، امروز نیز از نازکی برخوردار است . گرامی داشت پیاد او به معنای درس گرفتن از نبرد اوست ، در سههه که امروز نیز می توانند در خدمت ما قرا گیرند .

گرامی باد یاد از نست تلما ن ، سبیل شجاعت و وفاداری به آرمان طبقه کارگر !

بقیه از صفحه ۱۰
سرخ " ارگان حزب ، در ۷ نوامبر ۱۹۲۵ نوشت :
" برای نخستین بار ، در ۷ نوامبر (۱۹۱۷) پرولتاریا نه تنها برای یک لحظه تاریخسی ، بلکه برای همیشه قدرت را به دست گرفت . . . ما باید بطور خستگی ناپذیر این درس را برای تمام طبقه کارگر تکرار کنیم . . . علت کینه افراطی همه سرمایه داران نسبت به اتحاد شوروی چیست ؟ این نفرت از این نشات می گیرد که طبقه کارگر ، که تحقیر می کردند ، یکا رطبقاتی اش را بسبب



کمونستهای را می شناختند . صد ها هزار کمونست در ماههای اول حکومت فاشیستها بازداشت شدند . تلان یکی از آنها بود .

همزمان با او ج گیری همبستگی بین المللی با رهبرانی شده حزب کمونست آلمان ، فاشیستها شدید ترین شکنجه ها را در مورد او اعمال کردند . تلان را از این زندان به آن زندان و از سلولی به سلول دیگری بردند . کمترین سرای آزادی ارنست تلان ، تحت رهبری گورکی دی میتروف به فعالیتهای و سیاسی دست زد . در اتحاد شوروی ، مراسم مختلفی در حمایت از تلان برگزار شدند .

تلان دو سال پس از دستگیری به همسر خود نوشت : " سرنوشت ممکن است سخت باشد حتی می تواند انسانی را که در مقابل آن مقاومت روحی نشان نمی دهد ، خرد کند . می توانست عواقب دیگری ببار آورد . فرد را به تزلزل افکند ، و ناامید سازد . اما من به پیروزی حقیقت ایمان دارم ، و این ایمان مراد آزمایشهایی که در پیش روی خود دارم ، پابرجا نگه می دارد . تحمل این بار سنگین تنهایی ، هر قدر سخت باشد ، من می خواهم در برابر آن تاب آورم و خواهم آورد ، زیرا می دانم اراده تزلزل ناپذیر و ایمان مستحکم ، کوه را نتوانی دهد . "

تلان به این گفته خود و قادرانند . وی ۱۱ سال در زندان فاشیستها بسر برد ، و نام او بعنوان سمبل شجاعت ، میهن پرستی ، ایمان آهنین و وفاداری به آرمان طبقه کارگر در تاریخ ثبت شد .

انتزاسیو نالیسم پرولتری برای تلان با زتاب عینی و حدت منافع طبقات و ملل تهنیت ستم در سرمایه داری بود ، نه در آن ، پیوند با نخستین کشوری که سوسیالیسم در آن پیروز شد ، پیوند با اتحاد شوروی ، به حق جای ویژه ای داشت .

ارنست تلان طی مقاله ای در "پرچم

بقیه در صفحه ۹

به مناسبت چهلمین سالگرد شهادت رهبر حزب کمونست آلمان

گرامی باد یاد ارنست قلمان ، سمبل شجاعت و وفاداری به آرمان طبقه کارگر !

در شب هجدهم و نهمه ۱۹۴۴، ارنست تلان رهبر حزب کمونست آلمان ، در اردوگاه "بوخن والد" به دستور هیملر ، رئیس درخیمان اس - اس ، بطور کامل مخفیانه تیرباران شد . پس از پایان جنگ ، در یادداشتی که هیملر پس از یک ملاقات با آدولف هیتلر نوشته بود ، این عبارت جلب توجه کرد : " تلان باید اعدام شود . " فاشیستها می کوشیدند این قتل را پنهان نگاه دارند و شایعه ای پراکنده ساختند که گویا ارنست تلان در ۲۸ اوت ۱۹۴۴ در جریان یک حمله هوایی کشته شده است . اما پس از جنگ ، با اظهارات شاهدان مینی و اسپین روزهای زندگی ارنست تلان ، از ترک زندان "پاوتسن" تا بوخن والد ، در صفحات تاریخ ثبت گردید .

بدون تردید پیوندی میان قتل ارنست تلان به دستور هیتلر و ترور نافر جام دیکتاتور در ۲۰ ژوئیه ۱۹۴۴ وجود دارد . پیروزی ارتش شوروی در استالینگراد و گشایش جبهه دوم (در شمال فرانسه) ، و نیز گسترش مقاومت در همه اقشار مردم آلمان ، حتی در میان ژنرالها موقعیت نظامی و سیاسی ای را ایجاد کرده بود که در آن ، سران فاشیسم به شدت احساس خطر می نمودند . آنها دستور دادند تا طی یک عملیات ، دهها هزار نفر به ویژه کسانی که زمانی از فعالین احزاب کارگری به شمار می آمدند ، و نیز نمایندگان سابق پارلمان بازداشت و به اردوگاههای مرگ انتقال داده شوند . بسیاری از دستگیر شدگان ، تا سرحد مرگ شکنجه شده یا تیرباران گردیدند . ارنست تلان در میان اینان ، معروفترین اسپر بود .

وی در ۱۶ آوریل ۱۸۸۶ در "آلبسک" محله کارگری شهر هامبورگ متولد شد و نخستین سالهای زندگی خود را گذراند . تلان پس از ترک مدرسه ، تاحد توان خود به پدرش در کارهای مخازنای که داشت کمک کرد . اما زندگی خرد بورژوازی با روحیات او سازگار نبود ، و از این رو ، در اسکله هامبورگ مشغول به کار شد و در تماس با جنبش کارگری قرار گرفت . وی بعد ها درباره این دوران نوشت :

" در آنجا من نخستین آموزشهای عینی از نظام سرمایه داری و شیوه های عمل آن را فرا گرفتم . "

تلان در سال ۱۹۰۲ به عضویت حزب سوسیال دمکرات و اتحادیه کارگری درآمد . هنگامی که جنگ جهانی اول در گرفت ، ارنست تلان نیز به جبهه فرستاده شد و با یک جراحت ،

به میهن بازگشت . آدم کسی در جبهه های جنگ ، در وی تاثیری از بین نرفتگی گذارده بود . او می دید که مسئولیت هزاران مقتول و معلول جنگ ، به گردن امپریالیسم آلمان است ، کسبه تدارک ماجراجویی های جدید را از همان فردای شکست ، آغاز کرده بود . برای تلان و یارانش در "حزب سوسیال دمکرات مستقل" (جناح چپ حزب سوسیال دمکرات که از حزب انشعاب کرده بود) آشکار بود که کناره گیری امپراتور تاسیس "جمهوری وایمار" پس از شکست انقلاب نوامبر ۱۹۱۸ ، به هواداران بازسازی امپریالیسم آلمان امکان می داد قدرت اقتصادی و سیاسی خود را همچنان پابرجا نگه دارند .

تلان می دانست که در مبارزات طبقاتی آتی ، وحدت بخش انقلابی جنبش کارگری ضروری بود . از این رو ، وی مبارزه برای وحدت "حزب سوسیال دمکرات مستقل" و حزب کمونست آلمان که از "اتحاد اسپارتاکوس" بوجود آمده بود ، را آغاز کرد . مقالات و سخنرانیهای تلان در آن زمان ، نه تنها نشانگر آرزوی قلبی او ، وحدت طبقه کارگر ، که همچنین جلوه شناخت علمی و از مارکسیسم الهام گرفته او است ، شناختی که به او می گشت نیل به سوسیالیسم از راه دیگری ممکن نیست .

ارنست تلان همواره تلاش برای دستیابی به اتحاد عمل را با تدوین مطالبات روزمره منطبق با منافع اجتماعی زحمتکشان تلفیق می کرد . این مطالبات ، در چارچوب سمعته گیری در مدت حزب ، یعنی جایگزینی بیحدالتهی سرمایه داری سوسیالیسم ، جای معینی داشت . با اجرای این سیاست حزب به یک حزب توده های تبدیل شد که در سال ۱۹۲۲ حدود ۶ میلیون رای داشت . سی ام ژانویه ۱۹۲۳ ، هیندنبورگ رئیس جمهور آلمان آدولف هیتلر را به سمت صدارت عظمی منصوب کرد . ارتجاعی تریسین ، شوونیستی ترین و هائزترین محافظ سرمایه داری انحصاری آلمان ، دیکتاتوری تروستی خود را برپا کرد . تنها سه روز بعد ، در دوم فوریه ، پلیس سیاسی برلن مقرکمیته مرکزی حزب کمونست آلمان را مورد حمله قرار داد . رهبران و فعالین حزب به زندگی مخفی روی آوردند . اما گذار به فعالیت مخفی برای حزب کمونست آلمان کارسیاسار دشواری بود . حزب ۳۶۰ هزار عضو و میلیونها هوادار داشت . کادراهای رهبری حزب ، در حضور صدها هزار نفر سخنرانی کرده بودند . عکسهای آنها به مناسبت انتخابات در سراسر کشور پخش شده بود . در کارخانه ها و محلات ،

رویدادهای جهان



رفیق اریش هونکر: سوسیالیسم و سرمایه داری همچون آب و آتشند

رفیق اریش هونکر د بیرکل کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان و صد رشورای دولتی جمهوری د مکراتیک آلمان، طوسی مصاحبه ای با سرد بیران و مستولین د روزنامه عمد هو خبرگزاری این کشور، خاطر نشان ساخت که ثبات و کامل و تحریک از خصوصیات بارز پیشرفت جمهوری د مکراتیک آلمان است. وی ضمن تشریح اوضاع جهان به اهمیت فراوان مبارزه در راه صلح اشاره کرد، و این مبارزه را مهمترین مساله عصر حاضر نامید. اریش هونکر گفت محافل تجار و کارایالات متحده امریکا قصد دارند بلا لفاظی هایی در باره صلح، نقشه های واقعی خود را پنهان و سیاست رویارویی و لشکرکشی صلیبی علیه سوسیالیسم را همچنان ادامه دهند. رهبر آلمان د مکراتیک افزود نیروهای افراطی راستگرا در آلمان فدرال سرسختانند. منادی شحازهای مبتذل تلافی جویانه بوده و شک و تردید د رمورد نتایج جنگ جهانی دوم ایجاد می کنند. پیدایش جمهوری د مکراتیک آلمان در سه سال پیش، پیشرفت و فقیته آمیز آن بعنوان یک دولت سوسیالیستی کارگران و دهقانان و جز لاینفک جامعه دول سوسیالیستی و اتحاد استوار آن با اتحاد شوروی، ضربه ای تاریخی به تلافی جویان است. سوسیالیسم د جمهوری د مکراتیک آلمان شکست ناپذیر بوده و آشتی سوسیالیسم و سرمایه داری که همچون آب و آتش اند، امکان پذیر نیست.

جشنواره ورزشی صلح و دوستی در مسکو

مسابقات ورزشی "دوستی" که روز ۱۸ اوت در مسکو گشایش یافت و تا ۲۶ اوت ادامه خواهد داشت، عرصه نمایش توانایی های بهترین ورزشکاران جهان، و جشنواره صلح و دوستی ملل است. واژه های "صلح" و "دوستی" شعار این بازیهاست. در این مسابقات، قهرمانان ۴۰ کشور شرکت کرده اند. بازیها در رشته های دو میدانی مردان، دو چرخه سواری، شنا، تیراندازی، قایق رانی، هاکی مردان و بسکتبال برگزار می شود. حد نصاب اکثر قهرمانان حایز مقام اول رشته های مختلف در بازیهای مسکو از رکورد های مشابه المپیک لس آنجلس بهتر است. از جمله، سه نفر اول در پیر سه گام، همگی پیش از نفر اول این رشته در لس آنجلس پدیدند. در پرتاپ دیسک، یوری سد یچ قهرمان شوروی با فاصله زیادی حد نصاب برنده بازیهای لس آنجلس را پشت سر گذاشت.

آلبرتو خوانتورنا، قهرمان دو و یکو بایی، که سالها مقام اول را در رشته های مختلف د کسب کرده است، در مسکو برای آخرین بار به میدان آمد و به اتفاق رقیب لهستانی خود به مقام اول در دو و یکو ۸۰۰ متر دست یافت. وی گفت: "من برای پایان دوران ورزش خود که نقطه اوج آن مقام اول در دو و یکو ۴۰۰ و ۸۰۰ متر المپییک مونترال بود، بهتر از مسکو هیچ جای دیگری تصور نمی کردم. در اینجا بود که من در مسابقات جهانی ۱۹۷۳ به نخستین پیروزی خود در عرصه بین المللی دست یافتم."

پراودا: "شوخی" جنون آمیز ریگان نشان داد که باید هوشیار بود

روزنامه شوروی پراودا "شوخی" جنون آمیز ریگان را یک مفسده جویی نامید. مفسر پراودا می نویسد اظهارات رییس جمهور آمریکا باریگر نشان داد که ضروری است با د نظر گرفتن نقشه های تجار و زکرا نه آمریکا و ناتویستین حد ممکن از هشیاری، حفظ گردد. در تفسیر پراودا آمده است: "تردید نیست که سخنان ریگان در سراسر جهان به مثابه نشانه ای از بیبیدگی شده طکی است لفاظی عوام فریبانه و در باره اصطلاح هواداری وی زغالی سازی روابط با اتحاد شوروی، و خلع سلاح، تنها پوششی است برای استراتژی سیاسی ریگان که هنگام ورود به کاخ سفید اعلام نمود."

به نوشته پراودا کوششهای شش ماهه اخیر ریگان در اورونه جلوه دادن حقایق و وانمود ساختن به اینکه اتحاد شوروی، ونه آمریکا مانع قطع مسابقه تسلیحاتی و گسترش همکاری مسالمت آمیز اقتصادی در عرصه بین المللی است، تنهائی توان آنها را فریب دهد که مایلند فریب بخورند.

پراودا به آمریکا اخطار می کند که نگذار د وقایع از کنترل خارج شود، زیرا "اتحاد شوروی و متحدین آن همه وسایل ضروری برای تامین امنیت خود و نابودی هرگونه تجار و زراد اختیار دارند. پاسخی که آمریکا پس از استقرار و شکهای هسته ای ضربه اول خود در اروپای غربی دریافت داشت، بنحو قانع کننده ای نشان می دهد هیچکس و هرگز موفق نخواهد شد



مللی را که آزادی خود را به بهای گرانی به دست آورده اند و مصممند از خود و صلح دفاع کنند، بهزاد آوازند.

رفیق بیرکل کارمل: با وجود جنگ اعلام نشده، تحولات اجتماعی ادامه دارد

رفیق بیرکل کارمل د بیرکل کمیته مرکزی حزب د مکراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای انقلاب این کشور، روز پنجشنبه ۲۵ مرداد در مراسم بزرگداشت ۶۵ مین سالگرد اعلام استقلال افغانستان، گفت کشور وی صادقانه در راه حل و فصل مسالمت آمیز مساله افغانستان می کوشد. رفیق کارمل افزود اوضاع متشنج کنونی در منطقه، پیش از هر چیز بر اثر سیاست تجار و زکرا نه امپریالیسم ایجاد شده است. وی اظهار داشت علیرغم جنگ اعلان نشده محافل امپریالیستی علیه افغانستان، تحولات بنیادی اجتماعی به سود زحمتکشان در کشور ادامه دارد. به گفته رهبر افغانستان، هدف اصلی استراتژی اقتصادی حزب، افزایش سطح زندگی مادی و فرهنگی خلق است. د بیرکل حزب د مکراتیک خلق افغانستان در سخنان خود تأکید کرد اتحاد شوروی عامل مهمی در حفظ استقلال، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی افغانستان بوده و خواهد بود.

طبق گزارش های رادیویی تایید شده، حکومت پاکستان از نایب های خدا انقلابی افغانی مستقر در نوآ حی مرزی پاکستان - افغانستان خواسته است تا اول اکثریت خاک پاکستان را ترک کنند.

توضیح و پوزش

متاسفانه در "اکثريت" شماره ۲۰ د مورود جا افتادگی پیش آمده است:

۱- تیتیر مقاله مربوط به مین گذاری در دریای سرخ چنین است: "اشغال خزنده دریای سرخ، تکرار سناریوی آمریکایی تشنج آفرینی در خلیج فارس" که قسمت "تشنج آفرینی در خلیج فارس" آن جا افتاده بود.

۲- در مقاله "تعاونی های مردمی، زیر ضربات رژیم" صفحه ۵ ستون اول، بعد از سطر هفتم زیر جدول این پاراگراف باید گنجانده شود: "۲- نگاهی به حد متوسط سرمایه هر واحد به خوبی روشن می سازد که تعاونی ها از بنیه مالی لازم و نیرومندی برخوردار نیستند و روشن است که این شرکتها قادر به رقابت با تجار و سرمایه داران بزرگ و انحصارات آنها نخواهند بود رژیم خائن با عدم حمایت از تعاونی های مردمی خود را در مقابل منافع نود های میلیونی قرار داده است. آن "بیماری" ای که تعاونی های محلی اهواز را از پا در آورده، کل جنبش تعاونی کشور را در بر گرفته است."

اذهان روستائیان می‌پردازند. در روز سیزدهم تیر ماه اعضای واحد های بسیج، دستجات انجمن های اسلامی و چاقو داران گرد آورده شده بقصد تخریب کوی نور حرکت می کنند. پیش از این چندین کامیون حامل سرباز و واحد های از گشت ثارالله و نیروهای از بسیج در هشتگرد مستقر شدند تا مقاومت احتمالی مردم علی اللهی را در هم بشکنند. با وجود این در برابر مهاجمین مقاومت صورت میگیرد. مهاجمین که توسط افسراد مسلح بسیج پشتیبانی میشوند، اقدام به تیراندازی میکنند که در نتیجه آن تعدادی کشته و مجروح میشوند. مجروحین به بیمارستان های هشتگرد و کرج منتقل میشوند. ولی به اورژانس کرج دستور داده شده که از پذیرش مجروحین علی اللهی خودداری نمایند. بخشی از مزارع گندم اهالی توسط آوایش به آتش کشیده شده این واقعه به نتیجه ای خلاف انتظار حکومت انجامید. مردم منطقه در سطح قابل توجهی نسبت به این اقدام آشوبگرانه ایادی حکومتی ابراز انزجار کردند. بدنبال آن مسئولین منطقه کوشیدند نقش و سهم خود را در این جریان انکار نمایند. تحت فشار مردم نیر، ایسپاه و بسیج از هشتگرد خارج شده و فقط واحد های ژاندارمری باقی مانده اند.

کمک های مالی رسیده
رفقای فدایی در نگراس و ارکانزاس ۱۳۳۶ دلار
رفیق هوادار حزب توده ایران ۵۰ دلار
از لس آنجلس

هزینه چاپ این شماره "اکثرت" را
رفقای ما در شهر اسن (آلمان فدرال)
تأمین کردند

AKSARIYAT
NO. 21
FRIDAY, 24 AUGUST 84

Address آدرس
POSTFACH 23007 آلمان فدرال
6500 MAINZ 23
W. GERMANY

P.O. BOX 101 انگلستان
LONDON N17 8YU
ENGLAND

P.O. BOX 66156 ایالات متحده
LOS ANGELES, CA 90066
USA

C.P. 3125 ایتالیا
00122 OSTIA LIDO (ROMA)
ITALY

P.O. BOX NO 3018 هندوستان
NEW DELHI - 110003
INDIA

اطراف شهر تهران روی اراضی موات می سازند، هرچه بیشتر با مقاومت روبروی شوند. در نزدیکی جاده کرج در پیرامون قلعه حسن خان، عده ای از زحمتکشان بر روی اراضی بیابانی، اقدام به خانه سازی کرده و در آن ساکن شدند. ولی هر از چندگاه نیروهای کمیته به آنجا هجوم آورده و آن خانه ها را تخریب می کردند. مردم نیز هریارس، مرمت خرابی هاد و باره در همسان منازل ساکن می شدند. در تاریخ بیست و دوم تیرماه، اهالی مطلع می شوند که کمیته قصد دارد شبانه یار دیگر عمل کند. این بار مردم پس از گرد همایی و تبادل نظر تصمیم به مقاومت می گیرند. مردم می گفتند که تحمل آزار و جبران خسارات وارده دیگر ممکن نیست. نفرات کمیته که همان شب حمله کرده بودند در برابر مقاومت یکپارچه مردم غافلگیری شوند. درگیری به پیروزی مردم و عقب نشینی پاسداران کمیته می انجامد. با اینکه واحدهای اعزامی از کمیته کوشیدند همراه با واحدهای ژاندارم هجوم دیگری را آغاز کنند، اما نتیجه ای نگرفتند. اهالی قلعه حسن خان مصمم هستند در برابر تهاجمات بعدی نیز پایداری نمایند.

تفرقه بینداز و حکومت کن!
کمیته بر تظاهرات مذهبی و عقیدتی بسا اهداف مردم فریبانه، از مشخصه های پایدار رهبران جمهوری اسلامی بوده است. مبلغین سایه کار حکومت میکوشند با تحریک و فریب بخشش های از مردم، آنان را به دشمنی با دگراندیشان، پیروان اقلیت های مذهبی و حتی فرقه های کوچکتر اسلامی بکشانند. تبعیض علیه هم میهنان سنی، مذاهب، انکار حقوق مسیحیان ارمنی و آشوری، سرکوب بهائیان، فشار بر کلیهها و زرتشتی ها و... آشکارا ادامه دارد. علنا به معتقدات و مقدسات آنان توهین می کنند. تبعیضات و تفرقه افکنی های مذهبی حکومت تا کنون فجایع بسیاری ببار آورده است. یکی از آخرین نمونه های آن دو ماه گذشته در هشتگرد کرج اتفاق افتاد که بقیعت جان تنی چند از هموطنان ما تمام شده است. در هشتگرد تعداد زیادی از پیروان فرقه علی اللهی زندگی میکنند. یکی از امکانه مقدسه آنان بنام کوی نور، در این محل واقع است. ایادی و افراد حکومتی تصمیم داشتند در روز "روز قدس سال جاری" (جمعه آخر ماه رمضان) با استفاده از مراسم مربوط به این روز، مردم را بکوی نور کشانند و آنجا را ویران سازند. اما با مقاومت مردم علی اللهی و مخالفت دیگران این کار صورت نمی گیرد. ولی تحریکات همچنان ادامه می یابد. فحاشی علنی یک مبلغ حکومتی علیه مقدسات این فرقه به واکنش خشمگین آنان منجر میشود و در پی آن آشوبگران وابسته به حکومت در روستاهای اطراف به مخشوش کردن

اخباری از میهنمان

خطر وزیر!
یکسال می شد که آژیر خطر کارخانه بنزخاورد بصدا در نیامده بود. از اینرو وقتی که اخبار بطور ناگهانی آژیر بصدا در می آید در کارخانه ولوله ای میشود. همه میخواستند بدانند چه رخ داده است. طولی نماند که با خبر میشوند آژیر خطر برای اعلام ورود وزیر صنایع سنگین، آقای بهزاد نبوی بود. وزیر قصد سخنرانی داشت لذا هم کارگران و کارمندان را در سالن جمع کردند و نبوی شروع به سخنرانی کرد. او در آغاز گفت میدانم در این کارخانه هم کلاغ سیاه زیاد است و خبرها را به همه جاسا خواهند برد. او سپس به پرگویی پرداخت که خلاصه آن چنین است:
"شما کارگران گردن کلفت هستید، پس باید بیشتر تولید کنید. کیفیت کامیونهای که تولید میکنید به صفر رسیده است. به خیابان نرسیده دافان میشود. با این کیفیت بهتر است استات تولید نکنیم. در این شرایط واردات کامیون از ژاپن و آلمان غربی برای ما بصرفه است. پس چه کاری است که با این کیفیت کامیون تولید کنیم. هر تویوتای ژاپنی که وارد میکنیم برایمان کلسی استفا ده دارد. من میدانم که شما هم سهم مشکلاتی دارید. اما اینها هیچ ربطی به تولید ندارد. باید بدانید ما در حال جنگ هستیم و اینجا جبهه شماست باید تولید کنید. با این وضعیت تولید و کیفیت محصول من در این کارخانه را بندم. آقای وزیر در پایان اولتیماتوم دادند که چند هفته دیگر بر میگردند و اگر کیفیت تولید خوب نشود در کارخانه را خواهند بست. آقای نبوی در ضمن سخنانش اشاره داشت که خسرو شاهی سرمایه دار فراری در صد د پس گرفتن تولید ارومی باشد. حال که کارگران با این کیفیت تولید میکنند بهتر است آنها بیایند. آقای نبوی برای باز دید وضعیت تولید به کارخانه سایپا (ژیان) میرود. در حین که او از قسمتهای مختلف بازدید میکرد، کارگری پیش آمده وینه او میگوید با چند سرفاله با گرانی و اجاره مسکن سرسام آور حقوق ما خیلی ناچیز است. وزیر صاف و پوست کنده جواب میدهد "همینه که هست" و به بازدید ادامه میدهد.
مقاومت مردم قلعه حسن خان
درگیری مردم در حاشیه شهر تهران و نقاط اطراف با مامورین شهرداری و نیروهای کمیته مداوم ادامه دارد. گماشتگان ناطق نسوری برای تخریب منازل کوچکی که زحمتکشان در